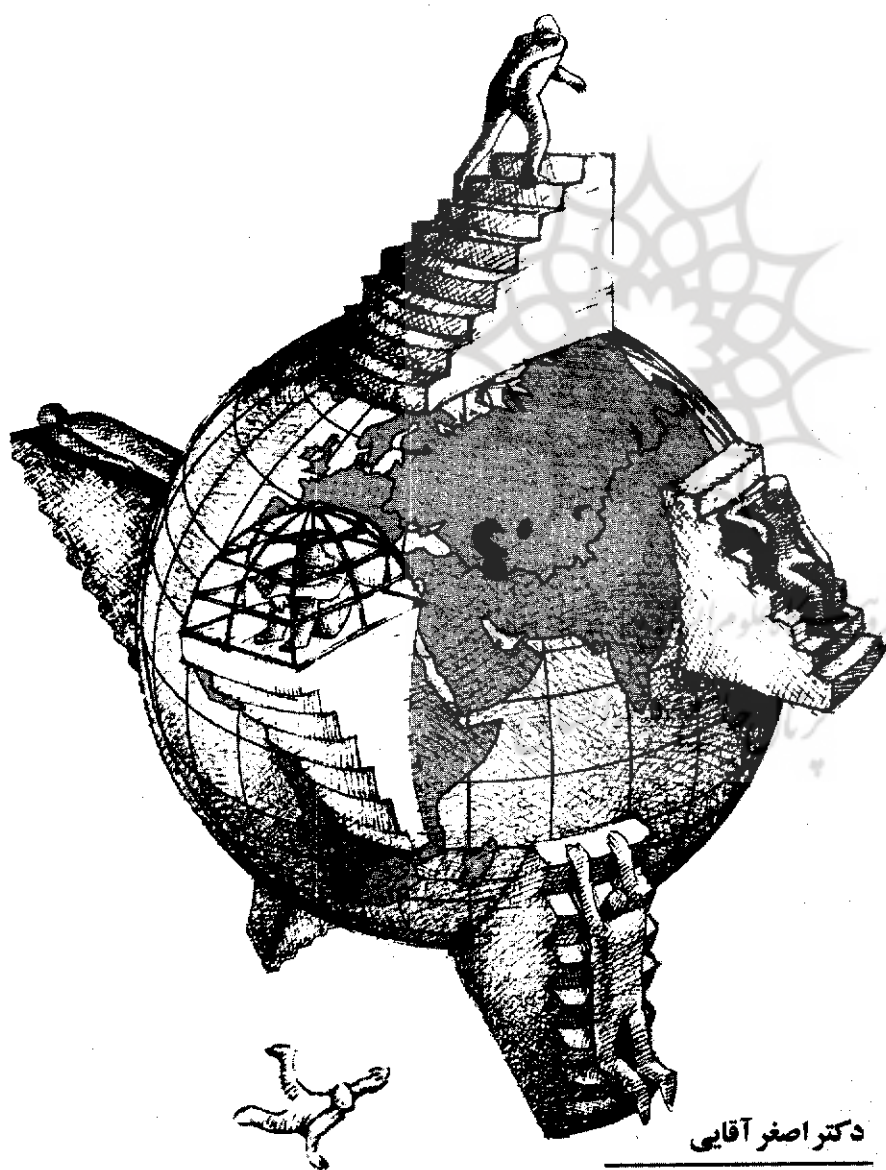


مقدمه:

جهانی که امروز مادر آن زندگی می‌کنیم، به دلیل رشد فناوری و گسترش روزافزون ارتباطات، خواه ناخواه هر روز کوچک و کوچک‌تر می‌شود و امتزاج و اختلاط فرهنگ‌ها افزون‌تر می‌گردد. اما "جهان هم‌چنان که در اثر توسعه" ارتباطات کوچک‌تر می‌شود، از جهت قضایای ذهنی گسترش می‌یابد و برای حل مسائل خود نیازمند تخیلی نیرومندتر است. (شیرازی، ۱۳۷۶)



دکتر اصغر آقایی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد

اسلامی خوراسکان (اصفهان)

آسیب‌شناسی تغییرات فرهنگی

بنابراین، امروز اکثر صاحب نظران و نظریه پردازان علوم اجتماعی و سیاسی و حتی اندیشمندان جهان تجارت و اقتصاد به این باور رسیده اند که تنها در پرتو صلح جهانی و تبادل و تفاهم فرهنگی می توان انسان معاصر را در دهکده جهانی کنار یکدیگر نگه داشت و انسانیت را حفظ کرد. براین اساس، نظریه های گفت و گوی فرهنگ ها و تمدن ها، سرلوحه انسان قرن بیست و یکم قرار گرفته است. موضوعی که هر انسان آگاه و اندیشمندی را در هر سطحی که باشد به دورنمای ارتباطات جهانی خوشبین می کند و نوعی آرامش روانی برایش به همراه می آورد. اما نکته مهم و اساسی در فرایند این گفت و گوها و تبادلات فرهنگی که شاید بتوان گفت بدان کم تر توجه شده و می شود، ابعاد آسیب شناختی، مخصوصاً آسیب شناسی روانی برخورد و تغییرات فرهنگی است که اگر بدان توجهی اساسی نشود و به موازات طرح های نزدیکی فرهنگ ها بدان پرداخته نگردد، در دهه های بعدی شاهد بسیاری معضلات و آسیب های جدید برای این انسان امیدوار به آینده خواهیم بود. آسیبی که طی چندین دهه گذشته در بسیاری از کشورها، فرهنگ ها و تمدن ها آثار نگران کننده خود را به جای گذاشته است - آثاری که ناشی از تغییرات فرهنگی است.

فرهنگ عبارت است از «مجموعه ای از اعمال و رفتار اکتسابی و شیوه تفکر فرا گرفته شده ای که بین افراد یک جامعه مشترک بوده، اختصاص به آن دارد»... یکی از رسالت های هر فرهنگ، حفظ حقوق و امنیت فرد در اجتماع است. موازین دینی و اخلاقی و نیز آداب و رسوم اجتماعی هر جامعه ای نظامی را پایه ریزی می کند که افراد متعلق به آن جامعه در نظام فرهنگی مربوط، از کودکی نسبت به حدود و ثغور

اختیارات و انتظارات خویش در محیط خانواده و در گروه، معرفت حاصل کرده، خود به خود به گونه ای عمل می کنند که محل و موقع آنان در جامعه مراعات شده، محفوظ می ماند. (داویدیان، ۱۳۷۶)

«تغییر فرهنگی فرایندی است که طی آن اجزای مختلف یک فرهنگ با گذشت زمان دگرگونی پیدا می کند. هر گونه دگرگونی در اجزا و کلیت فرهنگ، در سازمان های اجتماعی تحولاتی را پدید می آورد و اگر شتاب این دگرگونی ها فزونی یابد، می تواند آسیب هایی را در پی داشته باشد.» (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۵۰)

بنا بر عقیده کاپلان و همکاران (۱۹۹۴)، وقتی تغییرات فرهنگی حاد باشد و بر سازوکارهای انطباقی و حمایت های اجتماعی افراد آن جامعه تسلط پیدا کند، می تواند فشار زیادی وارد نموده، شوک فرهنگی^۱ ایجاد کند.

شوک فرهنگی با اضطراب^۲، افسردگی^۳، احساس جدا شدن، مسخ شخصیت^۴ و مسخ واقعیت^۵ همراه است و با این عوارض و علائم مشخص است. (کاپلان^۶، سادوک^۷، و گرب^۸، ۱۹۹۴، جلد اول، ص ۳۰۱)

بر اساس همین منبع، شوک فرهنگی عبارت است از انتقال فرهنگی عمیق و زمانی روی می دهد که شخص ناگهان وارد فرهنگی متفاوت می شود، یا وفاداری های او بین دو فرهنگ تقسیم می گردد. (منبع قبل، جلد دوم، ص ۶۴۲ و ۶۴۳)

مسخ شخصیت عبارت است از احساس با ثبات و تکرار شونده گسستگی. انگار که شخص یک مشاهده گر بیرونی فرایندهای روانی یا بدنی خویش است (مثلاً، احساس این که شخص در حال رؤیاست). مسخ شخصیت، ناراحتی قابل توجه بالینی

تغییر علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فرهنگی
فرایندی است
که طی آن
اجزای مختلف
یک فرهنگ با
گذشت زمان
دگرگونی پیدا
می کند.

به وجود آورده، موجب تخریب در عملکرد اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌های مهم می‌گردد. (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴، ص ۱۷۸) در مسخ واقعیت، فرد احساس می‌کند که مردم، وقایع و محیط تغییر کرده، غیر واقعی به نظر می‌آیند. (گلدنسون ۹، ۱۹۸۴، ص ۲۱۴)

موضوع تأثیر و تأثرات فرهنگی به حدی اهمیت پیدا کرده که اینک در طبقه‌بندی اختلالات روانی، مسئلهٔ فرهنگ‌پذیری^۱، به عنوان یکی از حالت‌هایی که باید کانون توجه بالینی قرار گیرد، آورده می‌شود. براساس طبقه‌بندی روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا (D.S.M.4) مسئلهٔ فرهنگ‌پذیری را زمانی به کار می‌برند که کانون توجه بالینی یک مسئله مربوط به سازش با فرهنگی متفاوت است. دوره‌های انتقال فرهنگی، با رسوم متفاوت و بی‌ثباتی تعیین نقش، می‌تواند آسیب‌پذیری شخص را نسبت به فشار زندگی بیش‌تر کند و انتقال فرهنگی عمیق می‌تواند ناراحتی شدید به وجود آورد که همان شوک فرهنگی است. (کاپلان و همکاران، ج سوم، ص ۶۴۲ و ۶۴۳)

براساس گزارش همان منبع، میزان مراجعین به بیمارستان‌ها به علت اختلالات روان‌پزشکی در آمریکا بین مهاجرین، نسبت به خود آمریکایی‌ها عیار بالاتری دارد و به نظر می‌رسد که علائم پارانوئید^{۱۱} نیز در بین گروه‌های مهاجر شایع‌تر است. تغییر نامطلوب از هر نوع که باشد، خواه ناخواه دشواری تطابق یا سازگاری اجتماعی را به همراه دارد. یعنی فرد به زحمت می‌تواند خود را با تغییرات تازه همراه کند و این ناسازگاری، علت بسیاری از ناراحتی‌های عصبی-اجتماعی معاصر است (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۵۰)

با نزدیک شدن فرهنگ‌ها به یکدیگر،

تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر نیز افزایش می‌یابد و به همان نسبت موضوعات سازگاری و انطباق نیز بیش‌تر می‌گردد. زیرا: کشفیات و اختراعات و دانش علمی با تصاعدی هندسی پیش می‌رود و تودهٔ مردم عموماً منفعل و اسیر رفتار کلیشه‌ای خود نمی‌توانند با مشکلات و معضلات مقابله کنند. اگر بشر نتواند هم چنان که دانش او محیط را تغییر می‌دهد، انطباقی نوین و مبتکرانه با محیط پیدا کند، فرهنگ، آسیب جدی خواهد دید و بهایی که بشر به خاطر فقدان خلاقیت خواهد پرداخت، نه تنها نتیجهٔ آن ناسازگاری‌های فردی و آسیب‌های روانی گروهی است، بلکه فرهنگ خود را نیز از دست خواهد داد. (شیرازی، ۱۳۷۶)

انسان در فرایند تغییر فرهنگی و اصولاً هر نوع تغییری مجبور است به انطباق‌ها و سازگاری‌های جدیدی تن در دهد که با توجه به تفاوت‌های فردی افراد و میزان تحمل متفاوت اشخاص در برابر فشارهای ناشی از تغییر، اختلالات انطباقی و سازگاری، از عوارض شناخته شدهٔ ناتوانی در انطباق است. گفته شد که یکی از پیامدهای مسئلهٔ فرهنگ‌پذیری اضطراب است. اختلالی که یکی از شایع‌ترین اختلالات بشر در قرن بیستم بوده، هنوز هم ادامه دارد. بنابر عقیدهٔ فروید، اضطراب، بهایی است که بشر کنونی برای تمدن می‌پردازد. (آزاد، ۱۳۷۴، ص ۳)

به دلیل این که تغییر فرهنگی، سازگاری‌های جدیدی را می‌طلبد، اضطراب منتشر یا تعمیم یافته در افراد نیز افزایش می‌یابد. ویژگی عمدهٔ این اختلال (اضطراب تعمیم یافته) ترس از آینده است. این ترس بی‌اساس بوده، به موضوع معینی مربوط نمی‌شود. (آزاد، ۱۳۷۴)

عدم انطباق فرد با دگرگونی‌های سریع و

با نزدیک شدن فرهنگ‌ها به

یکدیگر،
تأثیرگذاری
آن‌ها بر یکدیگر
نیز افزایش
می‌یابد و به
همان نسبت
موضوعات
سازگاری و
انطباق نیز
بیش‌تر
می‌گردد.

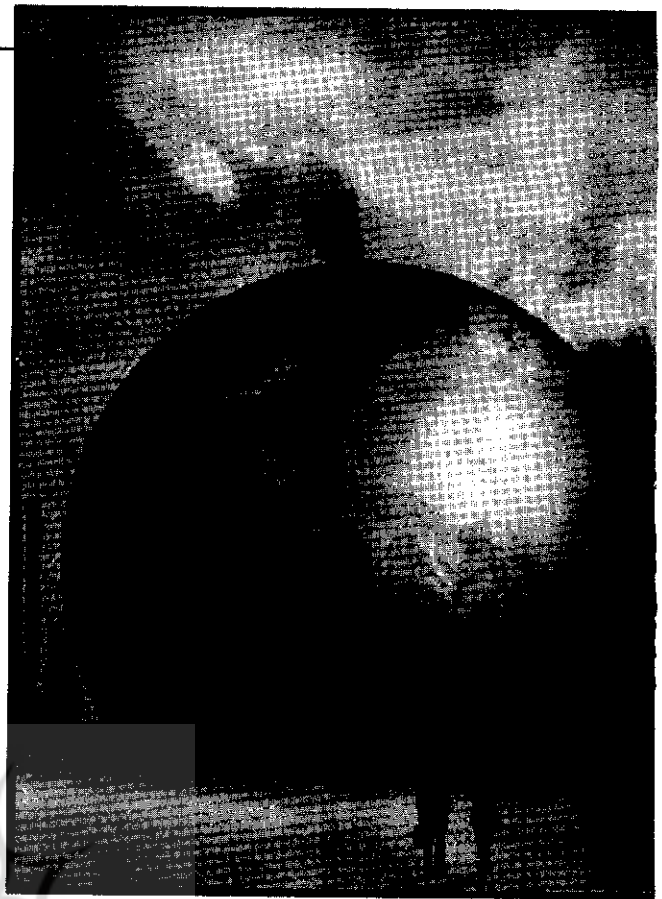
حال توسعه در ارتباط با شیوه‌های زیستی بی‌اعتماد و از خود بیگانه می‌شوند. (همان منبع)

ب - بی‌اعتمادی:

بی‌اعتمادی پدیده‌ای روان‌شناختی است که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد. (منبع قبل) در این مسیر، اختلال جدی دیگری تحت عنوان درماندگی آموخته شده^{۱۲} مطرح است. درماندگی آموخته شده زمانی بروز می‌کند که فرد در شرایط خاص تحت فشار قرار گیرد و بر فشار و شرایط موجود کنترل نداشته باشد...^{۱۳} معادل‌های درماندگی آموخته شده عبارت‌اند از: بی‌میلی برای انجام هر عملی برای کسب تقویت یا گریز از تنبیه، منفعل بودن به طور کلی، گوشه‌گیری، ترس، افسردگی و پذیرا بودن هر آن‌چه اتفاق می‌افتد. مارتین سلیگمن^{۱۳} (۱۹۷۵)، نظر داده است که درماندگی آموخته شده در انسان‌ها می‌تواند به صورت افسردگی تجربه شود و این ویژگی افرادی است که در کوشش‌هایشان در زندگی چنان سرخورده شده‌اند که ناامید و گوشه‌گیرند و در نهایت سر به تسلیم می‌نهند. (هرگنهان^{۱۴}، ۱۳۷۱ص ۲۴۹)

بنابر عقیده ستوده (۱۳۷۶)، این روند از دیدگاه کلان، به بی‌اعتمادی و درماندگی در سطوح ملی می‌رسد. پدیده بی‌اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از شخص می‌گیرد و او را به موجودی بی‌تحرک، خنثی و فاقد معیار تبدیل می‌کند. در عصر حاضر، بی‌اعتمادی به عنوان بیماری مزمنی در کشورهای در حال توسعه درآمده است.

بنابراین، با توجه به تأثیر فرهنگ‌های غالب بر فرهنگ کشورهای در حال توسعه (در حال گذار)، زمانی تبادل فرهنگی بین ملل، یک طرح کامل و همه



تغییرات فرهنگی ناپایدار عصر کنونی، آشفته‌گی‌های دیگری را نیز در پی خواهد داشت. بنابر عقیده ستوده (۱۳۷۶)، برخی از این آشفته‌گی‌ها و نابسامانی‌ها عبارت‌اند از: ۱- گسیختگی فرهنگی ۲- بی‌اعتمادی ۳- از خود بیگانگی.

الف - گسیختگی فرهنگی:

عدم انطباق

فرد با

دگرگونی‌های

سریع و تغییرات

فرهنگی ناپایدار

عصر کنونی،

آشفته‌گی‌های

دیگری را نیز در

پی خواهد

داشت.

گسیختگی فرهنگی یعنی اشکال در نحوه انتقال تجربه‌ها از گذشته به حال. از ویژگی‌های این گسیختگی آسیب دیدن فرایند انتقال سنت‌ها، دانش و تجربیات یک نسل به نسل دیگر و ایجاد بی‌هویتی در نسل‌های بعدی است... در اثر این دگرگونی‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم روبرو به سستی می‌گذارد، بی‌آن که فرهنگ سنتی تثبیت یا فرهنگ جدید کاملاً جذب شده باشد. در نتیجه روند مذکور، بی‌ریشگی‌ها و جانفِتادگی‌ها، دامن زده شده، مردم کشورهای در

جانبه‌نگر است که به فرایند انتقال فرهنگی و فرهنگ‌پذیری به شکلی اصولی و منطقی بپردازد؛ تا اولاً: ایجاد شوک فرهنگی نکند. ثانیاً: آسیب‌شناسی تداخل فرهنگی در صدر امور قرار گرفته، برای آن چاره‌اندیشی شود. انجام این مهم امکان ندارد؛ مگر این که ویژگی‌های فرهنگی و حتی خرده فرهنگ‌ها در هر جامعه مدنظر قرار گیرد و از تفکر یکی کردن و یکدست کردن تمام فرهنگ‌ها و نیز از تحمیل فرهنگی اجتناب شود.

- حتی تصور یکی شدن و یکسان شدن فرهنگ‌ها نیز وحشتناک است - چیزی که شاید کم‌ترین پیامد آن احساس تنهایی در جهانی یکسان است. در جهانی که خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های اصیل اجتماعی رنگ باخته و همه چیز یکسان و یکنواخت گردیده باشد، دیگر تعهد و وفاداری معنای چندانی ندارد و در جهان بزرگ مینیاتوری شده به شکل دهکده جهانی اگر اصالت فرهنگ‌ها رعایت نگردد؛ بی‌هویتی و فردیت باختگی^{۱۵} به شکلی آشکار و گسترده رخ می‌نمایاند و به آسانی - در شلوغی جمعیت - هنجارها نادیده گرفته می‌شوند. بر طبق نظریه فردیت باختگی، برخی شرایطی که غالباً بر گروه‌ها حکمفرماست می‌تواند به حالت روانی فردیت باختگی در افراد منجر گردد. پدیدآیی این حالت در افرادی که هویت فردی خود را از دست داده و به صورتی گمنام^{۱۶} در گروه مستحیل شده‌اند، مشاهده می‌شود. این حالت سبب می‌شود رفتارهای ناگهانی و دیگر شرایط عاطفی و شناختی که ویژه یک جماعت لجام‌گسیخته است، با محضورات و موانع کم‌تری روبه‌رو شود. (اتکینسون و هیلگارد^{۱۷}، ۱۳۶۸ ص ۳۷۶ و ۳۷۷)

از طرفی، در طریق ارتباط فرهنگی بین ملل،

لازم است عدالت اجتماعی که یکی از ریشه‌ها و عوامل اصلی تسلیم فرهنگی است، نیز برقرار شود. منظور از عدالت اجتماعی در این سطح، توزیع عادلانه امکانات طبیعی و نعمت‌های خدادادی و تقسیم مناسب دستاوردهای علم و فناوری نوین است. زیرا: وقتی جامعه‌ای با کسادی اقتصادی روبه‌رو می‌شود، یکی از آثار مخرب آن، پدیدآیی بی‌اعتمادی است؛ به‌ویژه وقتی دامنه این بی‌اعتمادی به اندازه‌ای باشد که جامعه را با بحران روبه‌رو کند. (ستوده، ۱۳۷۶ ص ۵۲)

ج - از خود بیگانگی:

یکی دیگر از آثار روانی زیانبار تغییرات فرهنگی و مسئله فرهنگ‌پذیری از خود بیگانگی یا الیناسیون^{۱۸} است. از خود بیگانگی، یعنی بیگانه شدن افراد با خودشان و با دیگران... به بیانی دیگر، از خود بیگانگی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن مردم اختیار خود را درباره دنیای اجتماعی که خود به دست آورده‌اند از دست می‌دهند و در نتیجه، آن، خود را در یک محیط اجتماعی خصمانه، بیگانه می‌یابند. (به نقل از منبع قبل)

از منظر روان‌شناختی، این اصطلاح، معادل نوعی اختلال روانی و شبیه حالتی مرکب از مسخ شخصیت و مسخ واقعیت است که قبلاً به آن اشاره شد و از جمله عوارض مسئله فرهنگ‌پذیری بودند. از سوی دیگر، با عنایت به این که در مسئله فرهنگ‌پذیری احساس بیگانگی و تنهایی و احساس نیاز برای بازگشت به اصل خویش و فرهنگ و جامعه و کشور و خانواده خود مطرح است، یکی دیگر از اختلالات روانی نیز موضوعیت پیدا می‌کند (یعنی اختلال نوستالژیا).^{۱۹} نوستالژیا، در مفهوم لغوی به

در عصر حاضر،
بی‌اعتمادی
به عنوان بیماری
مزمینی در
کشورهای در
حال توسعه
درآمده است.

معنای حسرت گذشته است؛ اما در تعریف روان‌شناختی، عبارت است از: "اشتیاق بازگشت به منزل یا زادگاه (غم غربت). نوستالژیا با ترس از تنها ماندن ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وقتی فرد با کسی که از نظر هیجانی با او هم بستگی دارد همراه باشد، احساس آسودگی می‌کند... نوستالژیا یک خاطره است؛ ولی در سطح عمیق‌تر یادآوری و تجربه مجدد ادراک‌هایی است که در گذشته وجود داشته‌اند و شخص را به زمان، مکان یا نزد فرد خاصی باز می‌گرداند و سپس به همه چیز تعمیم می‌یابد... از دیدگاه روان‌پزشکی، نوستالژیا همان اختلال انطباقی یا خلق افسرده است. این اختلال موجب پاسخ‌های روانزاد نامساعد به ناملایمات خاص یا گوناگون است و افراد مبتلا به این اختلال در رویارویی با حوادث و اوضاع از تلاش و یکپارچه کردن سریع اطلاعات ذهنی و هیجانی خود ناتوان‌اند... چنین افرادی در پاسخ به محرک‌ها عکس‌العملی شدیداً

وقتی فرد با کسی که از نظر هیجانی با او هم بستگی دارد همراه باشد، احساس آسودگی می‌کند.

نامتناسب از خود بروز می‌دهند." (فدایی و نیساری، ۱۳۷۶)

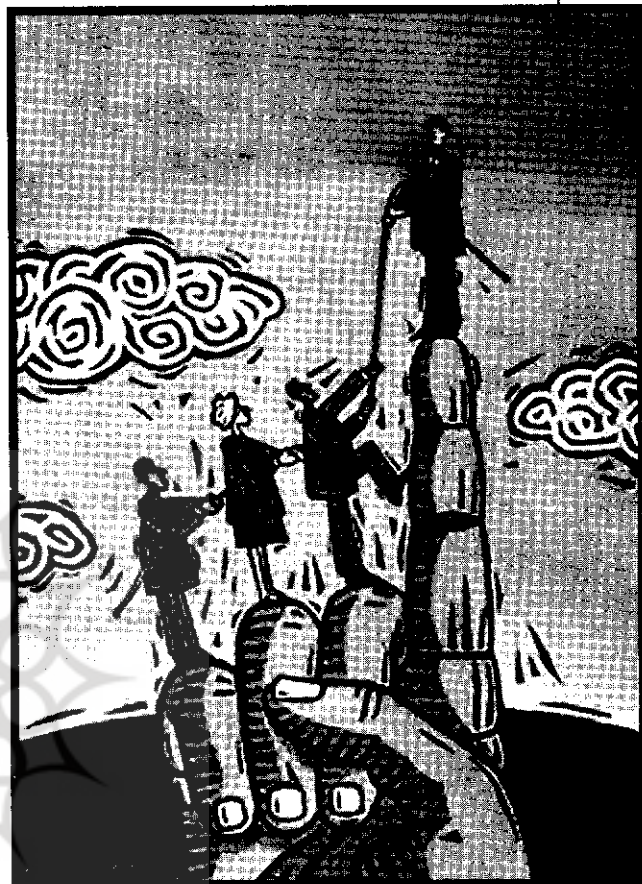
بنابر گزارش ستوده (۱۳۷۶)، ملوین سیمن پنج ویژگی یا پیامد برای از خود بیگانگی به شرح زیر قائل است:

۱- احساس بی‌قدرتی^{۲۰} و ناتوانی،^{۲۱} احساس پوچی و بیهودگی^{۲۲} ۳- بی‌معیاری^{۲۳} ۴- انزوای اجتماعی و جامعه‌گریزی^{۲۴} ۵- جدایی از خویشان.

در حالت احساس بی‌قدرتی و ناتوانی، فرد احساس می‌کند که قادر به تحت تأثیر قراردادن محیط اجتماعی خود نیست که در توضیح اختلال در ماندگی به این موضوع و عوارض آن اشاره شد. در حالت احساس پوچی و بیهودگی، شخص تصور می‌کند که برای رفتارها و باورهای خود خطوط راهنمایی در اختیار ندارد. در واقع، کسی که دچار پوچی شده، انتظار چندانی از رضایت بخش بودن پیش‌بینی‌های رفتاری خود در آینده ندارد. در وضعیت بی‌معیاری، فرد احساس می‌کند که برای رسیدن به هدف‌های ارزنده خود نیاز به وسایل نامشروع دارد، یا کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازد که مورد تأیید جامعه نیست. با توجه به تعریف بی‌معیاری و عنایت به این واقعیت که ویژگی اصلی اختلال شخصیت ضداجتماعی^{۲۳} زیرا گذاشتن معیارهای اجتماعی است و مدنظر قراردادن این موارد که: الف) بی‌معیاری یکی از ویژگی‌های از خود بیگانگی است. ب) از خود بیگانگی ارتباط نزدیکی با مسخ شخصیت و مسخ واقعیت دارد. ج) مسخ شخصیت و مسخ واقعیت دو اختلال مشتق از مسئله فرهنگ‌پذیری‌اند. د) اختلال شخصیت ضداجتماعی به شدت سعادت و سلامت جامعه را تهدید می‌کند؛ لازم است در فرایند فرهنگ‌پذیری و



تغییرات فرهنگی از بُعد آسیب‌شناسی روانی آن تأمل و تعمق بیش‌تری کرد. بر اساس معیارهای طبقه‌بندی اختلالات روانی (DSM-4)، اختلال شخصیت



به حالتی دارد که فرد احساس می‌کند با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ یعنی شخص احساس تفرّد می‌کند و احساس می‌کند با کسی یا جمعی ارتباط ندارد. فردی که از خود بر می‌گردد و از جامعه کناره می‌گیرد، بدین معناست که اعتقادی به شیوه کارکرد جامعه، روابط حاکم و هدف‌های خرد و کلان آن ندارد و چون نمی‌تواند به‌طور فعال این هدف‌ها و روابط را نفی کند، با گوشه‌نشینی و منزوی شدن، خود را از گزند جامعه به حاشیه می‌کشد و کناره‌گیری اختیار می‌کند. (ستوده، ۱۳۷۶)

گرچه ممکن است ارتباط مستقیمی بین اختلالات فوق و موضوع تغییرات فرهنگی وجود نداشته باشد، لیکن با عنایت به این که بسیاری از اختلالات روانی تحت نفوذ عوامل فرهنگی قرار دارند، قابل طرح است. نقش فرهنگ و جامعه در بروز بیماری‌ها به اندازه‌ای است که اریک فرام^{۲۵}، بیماری انسان را ناشی از اجتماع می‌داند و معتقد است، سلامت روان پیش از آن که امری فردی باشد، مسئله‌ای اجتماعی است. (شولتس، ۱۳۶۲، ص ۷۶) هم‌چنین، بنا بر عقیده داویدیان اغلب اختلالات روانی، مخصوصاً اختلالات شخصیت و اختلالات رفتاری، واکنش‌های عصبی، به ویژه حالات اضطرابی، ترس و حالات وسواسی، هم‌چنین کردارهای جنسی، تحت نفوذ عوامل فرهنگی قرار دارند. (داویدیان، ۱۳۷۶)

نتیجه یک بررسی بر روی پرونده ۲۵۰ بیمار مرد و زن دارای هذیان در تهران نشان داد که اگرچه فرهنگ‌های مختلف مفهوم و محتوای هذیان بیماران را تغییر نمی‌دهند، لیکن شکل و ظاهر آن‌ها را تغییر و جهت می‌دهند. (شاه‌محمدی، ۱۳۷۶)

تحقیقات دیگری نیز مؤید این موضوع است که

حتی تصور

یکی شدن و یکسان شدن فرهنگ‌ها نیز وحشتناک است، چیزی که شاید کم‌ترین پیامد آن احساس تیره‌ایی در جهانی یکسان است.

اجتماعی عبارت است از: الگوی نافذ بی‌اعتنایی به حقوق دیگران و زیرپانهادن آن که از ۱۵ سالگی شروع و با سه تا (یا بیش‌تر) از خصوصیات زیر تظاهر می‌کند: ناتوانی برای سازگاری با موازین اجتماعی، فریبکاری برای نفع و لذت شخصی، رفتار تکانشی، تحریک‌پذیری و پرخاشگری، بی‌احتیاطی نسبت به ایمنی خود و دیگران، عدم احساس مسئولیت مستمر و فقدان احساس پشیمانی و گناه. (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴، ص ۲۱۰)

ویژگی چهارم از خود بیگانگی، انزوای اجتماعی و جامعه‌گریزی^{۲۶} است. این ویژگی اشاره

حتی برخی بیماری‌های روانی زاده و مخصوص یک فرهنگ خاص است. از نمونه‌های این اختلال می‌توان به بیماری‌های آل‌زدگی و جن‌ناتی اشاره کرد. بر اساس یک باور قدیمی که در برخی از نواحی ایران وجود دارد، آل موجودی شیطانی است که هیبتی ترسناک دارد و در جنسیت زن در اشکال مختلف ظاهر می‌شود و مادر و نوزادش را می‌برد. (بوردشاهیان، ۱۳۷۶).

بیماری جن‌ناتی، یک اختلال تجزیه‌ای^{۲۸} تکراری، عودکننده و وابسته به فرهنگ در استان سیستان و بلوچستان است که اغلب در زن‌های جوان (۳۰-۱۵ سال) مشاهده می‌شود و در بیمار ایجاد یک شخصیت و هویت جدید می‌کند. (بخشایی و کیانپور، ۱۳۷۶).

بنابراین، با توجه به آن چه بیان شد پیامد عناصر و عوامل فرهنگی به عنوان بخشی از اختلالات شخصیت دوری‌گزین و اسکیزوئیدی به عنوان عوارض از خود بیگانگی قابل دقت نظر است.

پنجمین ویژگی از ویژگی‌های از خود بیگانگی، جدایی از خویشان^{۲۹} است. جدایی از خویشان، به حالتی فردی گفته می‌شود که شخص نسبت به احساس واقعی، علاقه‌ها و باورهایش بیگانه است و به طور کلی نسبت به خود احساس بیگانگی می‌کند و بدون آن که بداند، به حیات خود، بلکه به تصویری از خود ادامه می‌دهد. این ویژگی نیز شباهت بسیار نزدیکی با اختلال مسخ شخصیت دارد که از عوامل فرهنگ‌پذیری و تغییرات فرهنگی است و قبلاً توضیح داده شد. دو پدیده بی‌اعتمادی و از خود بیگانگی به عنوان پیامدهای روانی - اجتماعی تغییرات فرهنگی و ارتباط این دو پدیده با

تحولات تکنولوژیکی و نوآوری، با موضوع تأخر فرهنگی قابل تبیین است. تأخر فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که در اثر تحولات سریع و شتاب‌آلود - اختراع، نوآوری، رشد جمعیت یا پیدایی هر چیز متفاوت - سازش و انطباق اجتماعی دشوار شود و در نتیجه هماهنگی و سازش میان جنبه‌های مختلف یک فرهنگ از بین می‌رود که این خود می‌تواند شرایط بروز بحران در فرهنگ را فراهم سازد. (ستوده، ۱۳۷۶)

بنا بر عقیده داویدیان (۱۳۷۶)، هر گاه یکی از عناصر نظام فرهنگی به هر علت تزلزل پیدا کند، احساس ناامنی به وجود آمده، آرامش خاطر مختل می‌شود و هم بستگی و وابستگی بین فردی، مخصوصاً در بین اعضای خانواده که یکی از عناصر مهم فرهنگ ایرانی است از بین می‌رود. از همین روست که جدایی به هر عنوان که باشد، از شایع‌ترین علل اختلالات اضطرابی در بیماران ایرانی است. وی اعتقاد دارد: "از آن جا که فرهنگ، در عین حال، فرایندی انطباقی است، در مواقع بحرانی، همان عناصر، همچون اعتقادات مذهبی و اعتقاد به تقدیر به کمک افراد شتافته، زخم‌ها را التیام می‌بخشند و تحمل مصائب را آسان می‌سازند." (داویدیان، ۱۳۷۶)

بنابراین، در بحث نزدیکی فرهنگ‌ها، این موضوع که درمان بسیاری از اختلالات نیز در درون همان فرهنگ که بیماری زاینده آن است، امکان‌پذیر است، بایستی به عنوان یک عامل مهم در آسیب‌شناسی تغییرات فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که در بیماری جن‌ناتی و آل‌زدگی و بسیاری اختلالات دیگر، درمان‌های سنتی منبث از همان فرهنگ، کارآمد است.

**یکی دیگر از
معضلات
امروزه جوانان
انسانی،
مخصوصاً جوانان
در حال گذار،
مشکل شکاف
بین نسل‌هاست.**

شکاف بین نسل‌ها

یکی دیگر از معضلات امروزه جوامع انسانی، مخصوصاً جوامع در حال گذار، مشکل شکاف بین نسل‌هاست. پدیده‌ای که اختلالات فردی و اجتماعی فراوانی به همراه آورده است. گرچه، علل پدید آمدن شکاف بین نسل‌ها متعدد است که بعداً به آن اشاره خواهد شد، اما یکی از عوامل مهم این پدیده که ویژه جهان امروز، مخصوصاً پس از صنعتی شدن جوامع و نفوذ صنعت و فرهنگ صنعتی در کشورهای در حال توسعه است، عامل نظام گسیختگی است.

بنابر عقیده توماس وازنیکي^{۳۰} (به نقل از ستوده)، نظام گسیختگی عبارت است از ضعف هنجارها در نظارت بر نقش‌ها و رفتارهای افراد اجتماع. این تعریف مشابه تعریف دورکیم است که اعتقاد دارد هر گاه نظارتی که جامعه بر رفتارها و هنجارها دارد ضعیف یا حذف شود حالت بی‌هنجاری به وجود خواهد آمد.

بر اساس گزارش ستوده (۱۳۷۶)، عوامل اساسی

ایجاد نظام گسیختگی عبارت‌اند از:

- ۱- هنگامی که جامعه در اجتماعی کردن اعضای خود و مهاجران با مشکلاتی مواجه گردد.
- ۲- زمانی که مشکلات و ناراحتی‌های موجود در جامعه راه‌گزینی برای تخفیف آلام پیدا نکند.
- ۳- موقعی که نظام اجتماعی با محیط خود همخوانی نداشته باشد.
- ۴- زمانی که اعضای جامعه امکان دسترسی به هدف‌های تعیین شده را نداشته باشند.
- ۵- هنگامی که پایگاه‌های اجتماعی مختلف افراد جامعه با هم همخوانی و تناسب نداشته باشند.

از میان عوامل فوق، سه عامل آخر ارتباط بیش‌تری با تغییرات فرهنگی دارند که در صورت عدم توجه به آن‌ها، در فرایند نزدیکی فرهنگ‌ها، شدیداً آسیب‌زا خواهد بود.

از طرفی در جریان تغییر فرهنگی، به دلیل این که حضور و ظهور یک فرهنگ یا عنصری از یک فرهنگ حداقل برای مدتی - با محیط جدید همخوانی ندارد و به دلیل عدم همخوانی بین پایگاه‌های اجتماعی افراد ایجاد ناهمگونی و عدم تناسب می‌کند، در نتیجه اعضای جامعه در دستیابی به اهداف خود دچار سردرگمی و مشکل خواهند شد، مخصوصاً به دلیل تعارض‌هایی که در اثر تداخل فرهنگی ایجاد می‌شود. به عنوان مثال: در کشور چین پیش از کمونیستی شدن، انتقال از ساختمان خانوادگی قدیم به نوع جدیدتر غربی آن برای جوانان دشواری‌های فرهنگی به بار آورده بود. (کلاین برگ ۳۱، ۱۳۷۰ ص ۴۵۴) بنابر عقیده کلاین برگ در فرهنگی که در حال تحول است، امکان پدیدآیی دشواری‌ها و کشمکش‌ها روزافزون است. در جامعه آمریکا نیز نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه اوضاع ایجاد کننده تعارض و فشار درونی، ممکن است باعث مشکلات روانی گوناگون گردد. هانت^{۳۲}، گروهی از پسران جوان را وصف می‌کند که تحت تأثیر دو منظومه ارزشی متباین بودند. باشگاهی که این جوانان عضو بودند برخی از انحرافات جنسی را به ایشان می‌آموخت. از طرف دیگر، این جوانان تحت تأثیر اعتقادات دینی بودند که آنان را از این گونه اعمال منع می‌کردند. سرانجام اعضای این باشگاه که تحت تأثیر این دو نفوذ متباین قرار داشتند، همگی پس از چندی به علت بیماری روانی در بیمارستان بستری شدند. (کلاین برگ، ۱۳۷۰، ص ۴۵۵ و ۴۵۶)

بنابر عقیده

کلاین برگ: در

فرهنگی که در

حال تحول است،

امکان پدیدآیی

دشواری‌ها و

کشمکش‌ها

روزافزون است.

به طور کلی نقش‌هایی که با فطرت انسان و فرهنگ اجتماعی‌اش ناهمخوانی داشته باشند سرانجام زمینه‌های تعارض و تضاد و از خودبیگانگی را به همراه خواهند داشت. یکی از عوارض و پیامدهای جدید آمیختگی فرهنگ‌ها که همراه با تبادل اطلاعات گوناگون است، تعارض و تضاد یا به عبارتی شکاف بین نسل‌هاست که اختلاف نظر و



۱- برهم خوردن تناسب عددی بین نسل جوان و نسل‌های گذشته (در جوامعی که شمار جوانان بیش‌تر از بزرگسالان مسن‌تر است، شکاف بین نسل‌ها مشهودتر است).

۲- طولانی شدن دوره نوجوانی و جوانی (نسبت به گذشته). خصوصیتی که دستاورد جامعه تکنیکی و صنعتی است. بنا بر عقیده احدی و محسنی (۱۳۷۱)، اجتماع صنعتی غرب با طولانی کردن دوره نوجوانی و انتقال آن به سال‌های پس از بلوغ، مشکلات نوجوانان را بیش‌تر کرده و موقعیتی مبهم برایش ایجاد نموده است. بنا به گفته پیشو، پس از بلوغ جنسی، نوجوان از لحاظ فیزیولوژیک فردی بزرگسال است، اما اجتماع او را ناگزیر می‌سازد که تندیس و نقش کودک را داشته باشد. (احدی و محسنی، ۱۳۷۱ ص ۷۵)

بنابر گزارش همین منبع به نقل از اریکسون، تمدن غرب به علت ویژگی‌های خود مانع از آن می‌شود که نوجوان بتواند به آسانی بحران هویت را حل کند و به یک هویت شخصی استوار دست یابد. رویین^{۳۳} به نقل از ژان فتی، چهار شیوه و طبقه متفاوت حل بحران هویت در نوجوانان برخاسته از کشورهای در حال توسعه را که تحت تأثیر فرهنگ صنعتی قرار گرفته‌اند به شرح زیر فهرست می‌کند.

الف) طبقه‌ای (شیوه‌ای) که هویت خود را با دو فرهنگ (فرهنگ خود و فرهنگ متعلق به جامعه صنعتی) شکل می‌دهد.

ب) طبقه‌ای که یک هویت اخلاقی قوی را حفظ کرده، ارتباط کمی با فرهنگ حاکم بر جامعه پیدا می‌کند.

ج) نوجوانانی که هویت خود را با گروه غالب همسو کرده، میراث فرهنگی خود را رد می‌کنند و یک

طبقه‌ای که

یک هویت

اخلاقی قوی را

حفظ کرده،

ارتباط کمی با

فرهنگ حاکم

بر جامعه پیدا

می‌کند.

کشمکش‌هایی را بین نسل جوان با والدین و مسئولان جوامع به دنبال داشته است. اگرچه، یکی از جنبه‌های مثبت این پدیده پویا شدن جامعه است، لیکن از جنبه آسیب‌شناسی روانی و اجتماعی، موضوع شکاف بین نسل‌ها بسیار حائز اهمیت است.

به جز عامل نظام گسیختگی ناشی از تغییرات فرهنگی که پدیده شکاف بین نسل‌ها را گسترش می‌دهد، عوامل دیگری نیز در این امر دخالت دارند که این عوامل نیز به نحوی برخاسته از فرهنگ و تغییرات فرهنگی است. از جمله، این عوامل، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

هویت خارجی یا صنعتی را کسب می کنند.

د) افرادی که ارتباط ضعیفی با هر دو فرهنگ دارند و در اصطلاح جامعه‌شناختی، خارجی‌های حاشیه‌ای نامیده می شوند. (روبین، ۱۹۹۳)

۳- ویژگی‌های خاص دوران نوجوانی و جوانی، ویژگی‌هایی چون نوجویی، تنوع‌طلبی، هیجان‌خواهی و... باعث می شود تا این گروه سنی بیش‌تر تحت تأثیر تغییرات فرهنگی قرار گیرد و هر روز فاصله خود را با نسل گذشته بیش‌تر کند.

نوجوانان بیش‌تر از سالخوردگان تحت تأثیر عوامل اجتماعی، خانوادگی، محیط طبیعی و غیره‌اند. این محیط‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم، با تمام وسایلی که در اختیار دارند، آنان را تحت فشار اجتماعی می گذارند و امکان‌هایی از این نیروهای مهارکننده بسیار کم است. (احدی و محسنی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۰). این در حالی است که معمولاً افراد مسن‌تر در جست و جوی ثبات‌اند و در مقابل تغییرات، از هر نوع که باشد، محافظه کارانه‌تر عمل می کنند. تحت تأثیر تغییرات سریع ارتباطی و فرهنگی، جوانان امروزه در بیش‌تر جوامع به علت تغییر وضعیتان نسبت به گذشته، سیمای متفاوتی از سیمای جوانان دیروز یافته‌اند و رفتار آنان مجموعه واکنش‌هایی است که به هر شکل، عصیانگری آنان را می رساند. ژوسلین، علل این وضعیت را به شکل زیر خلاصه می کند: (منبع قبل، صص ۸۶ و ۸۷)

۱- تغییر تعادل در حجم جمعیت و پیر شدن توده‌ها؛ افزایش مداوم حجم گروه جوانان.

۲- افزایش طول مدت جوانی.

۳- افزایش سرعت تحول تمدن و تاریخ. (این امر به این دلیل باعث تفاوت و تعارض بین نسل‌ها می شود که پیرترها در جست و جوی ثبات‌اند و

جوان‌ترها چنان که گویی به ندای تحول پاسخ می دهند، در جست و جوی تجربه‌های جدید و خواهان تحرک‌اند.)

این موقعیت بر اثر حجم زیاد اطلاعات و مراودات، تأیید و تقویت می شود. (عامل بمباران اطلاعاتی نسل جوان به دلیل فرصت‌های آزاد بیش‌تر، تحصیلات سطح بالاتر و ویژگی‌های خاص جوانی نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند).

۴- عمومی و اجباری شدن تحصیلات.

۵- ازدیاد دانش و معلومات و بازی کردن نقش تماشاچی: بیش‌تر جوانان امروز به رغم سطح بالاتر اطلاعاتی حتی نسبت به بزرگسالان خود، هنوز در حاشیه اجتماع به سر می برند و به عبارتی، نقش یک تماشاچی بدون مسئولیت را بازی می کنند.

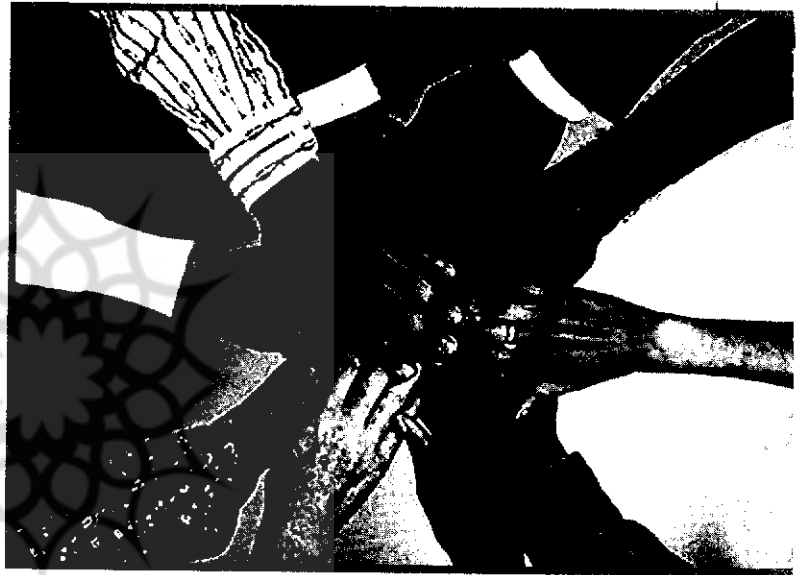
۶- در جریان مسائل روز بودن: زندگی جوان متوجه حال و امور جاری است و مسائل جهانی به نحوی از انحا بر زندگی آنان تأثیر می گذارد.

۷- گسترش ارتباط‌های متقابل و فروریختن دیوارهایی که طبقات گوناگون را از یکدیگر مجزا می ساختند.

همه این موارد باعث شده‌اند تا جوانان ونوجوانان امروز، که بیش‌ترین تأثیرپذیری از تغییرات را دارند، در مقابل نسل بزرگسال که پایندی بیش‌تری به اصول و سنت‌های اجتماعی خویش نشان می دهند و کم‌تر خواهان تغییر و دگرگونی‌اند، صف آرایی کنند و احساس نمایند که بزرگسالان نمی توانند آن‌ها را درک کنند. با عنایت به انعکاس تحولات سریع جهانی در زندگی جوانان ایرانی، و احساس این فاصله و شکاف، موضوع آسیب‌شناسی تغییرات فرهنگی مخصوصاً در بُعد خانواده اهمیت بیش‌تری پیدا می کند. بنابر گزارش احدی و محسنی

هجوم مسائل
جدیده و
برخورد ارزش‌ها
تربیتی گنگ و
میرمی و احساسی
ناامنی در جوان
به وجود
می آورد.

(۱۳۷۱) به نظر می‌رسد که تحولات سریع جهانی در زندگی جوانان منعکس شده باشد. بیش‌تر آنان در معرض جریان جدید قرار گرفته‌اند. جریانی که از برخورد ارزش‌ها و افکار و عقاید، از برخورد خانه و محیط خارج از خانه و از برخورد شرق و غرب... ایجاد شده است. هجوم مسائل جدید و برخورد ارزش‌ها ترسی گنگ و مبهم و احساس ناامنی در جوان به وجود می‌آورد. او چنین احساس می‌کند که



۱- والدین، ما را متناسب با زمان تربیت نکرده‌اند و نظام آموزشی ما نادرست است و نمی‌تواند پاسخگوی تحولات روز باشد.

۲- والدین، ما را کودک می‌شمارند، به شخصیت ما احترام نمی‌گذارند و عقاید خود را به ما تحمیل می‌کنند.

۳- والدین سواد ندارند، افکار آنان متفاوت از افکار ماست. ارزش‌های ما یکسان نیستند و بین ما جدایی معنوی وجود دارد.

۴- والدین به نسل گذشته تعلق دارند و آگاه به مسائل روز نیستند.

۵- فرهنگ و نظام آن باید تغییر کنند، مربیان باید بصیرت کافی داشته باشند و به طور کلی نظام آموزشی باید در مجرای جدیدی قرار گیرد. مجرای که مستقیماً به احتیاجات زمان منتهی شود و جوان را در قلب مسائل و خواست‌های روز قرار دهد.

۶- هم‌چنین، احساس بدبینی شدید نسبت به بزرگسالان، والدین و مسئولان نظام آموزشی و...

۷- بیان احساس بی‌هدفی خود. (احدی و محسنی، ۱۳۷۱، ص ۸۹ تا ۹۶)

در تحقیق نسبتاً محدود دیگری که در شهر اصفهان بر روی عده‌ای از نوجوانان و جوانان عضو گروه‌های ضد فرهنگی انجام شد، علل گرایش آن‌ها به این گروه‌ها مورد سؤال قرار گرفت که در این میان، عواملی چون محدودیت اجتماعی، دسترسی به ماهواره و فیلم‌های ویدئویی، کمبود امکانات تفریحی، عدم موفقیت تحصیلی، ضعف بنیادهای شخصیتی، ضعف‌های فرهنگی، نومی‌دی نسبت به آینده، رفاه‌زدگی، محدودیت‌های شدید خانوادگی و فراهم نبودن امکانات برای ازدواج از فراوانی و درصد بیش‌تری برخوردار بودند که از بین این عوامل

امروز به جای تقابل و تراجم فرهنگی، راه منطقی دیگری به جز تبادل و تفاهم فرهنگی وجود ندارد.

برای هضم کلیه مسائلی که به او عرضه می‌شوند، توانایی و آمادگی ندارد (و در نهایت) گناه این کمبود را به گردن آنانی می‌اندازد که به نحوی در ساختن و پرورش او دخالت داشته‌اند.

بر اساس گزارش همین منبع، طبق تحقیقی که بر روی یکصد (۱۰۰) دانشجوی دختر و پسر سنین ۱۹ تا ۲۵ سال تهران انجام شد، این تأثیرپذیری و احساس جدایی و فاصله بین نسل جوان و بزرگسالان که در قالب گفته‌ها و اظهار نظرهای آنان آمده، قابل استنباط است. بخشی از اظهار نظرهای این گروه به شرح زیر است.

محدودیت‌های اجتماعی، سختگیری‌های خانواده، کمبود امکانات تفریحی، ناامیدی نسبت به آینده، تبلیغات گسترده‌ی ظواهر سایر فرهنگ‌ها،... اولویت بیش‌تری داشتند. (درخشنده‌نیا و آتش‌پور، ۱۳۷۸)

بر اساس آن چه بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱- به دلیل رشد فناوری و گسترش علوم ارتباطات در جهان امروز، اختلاط و امتزاج فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است.

۲- امروز به جای تقابل و تراحم فرهنگی، راه منطقی دیگری به جز تبادل و تفاهم فرهنگی وجود ندارد.

۳- امکان ایجاد یک فرهنگ مشترک و یکسان جهانی که تمام ملیت‌ها و فرهنگ‌ها را در برگیرد، وجود ندارد. اما بر روی مشترکات فرهنگی می‌توان بحث کرد.

۴- بدون توجه به آسیب‌شناسی تغییرات فرهنگی، تداخل و تبادل فرهنگی عوارض و پیامدهایی به دنبال خواهد داشت که اگر بدان‌ها توجه نشود، هر چه میزان ارتباطات بیش‌تر شود، آثار جبران‌ناپذیرتری به جای خواهد گذاشت.

۵- آسیب‌شناسی و آسیب‌شناسی روانی تغییرات فرهنگی حداقل در سه حیطه: فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بحث است.

۶- مهم‌ترین عارضه: مسئله: فرهنگ پذیری، شوک فرهنگی است که طیف وسیعی از اختلالات روانی - عاطفی را به همراه دارد.

۷- برای پرهیز و تخفیف شوک فرهنگی، رعایت اصول زیر که ضرورت خاصی دارد، توصیه می‌شود:

الف - هیچ فرهنگی نباید اندیشه غالب بودن

داشته باشد.

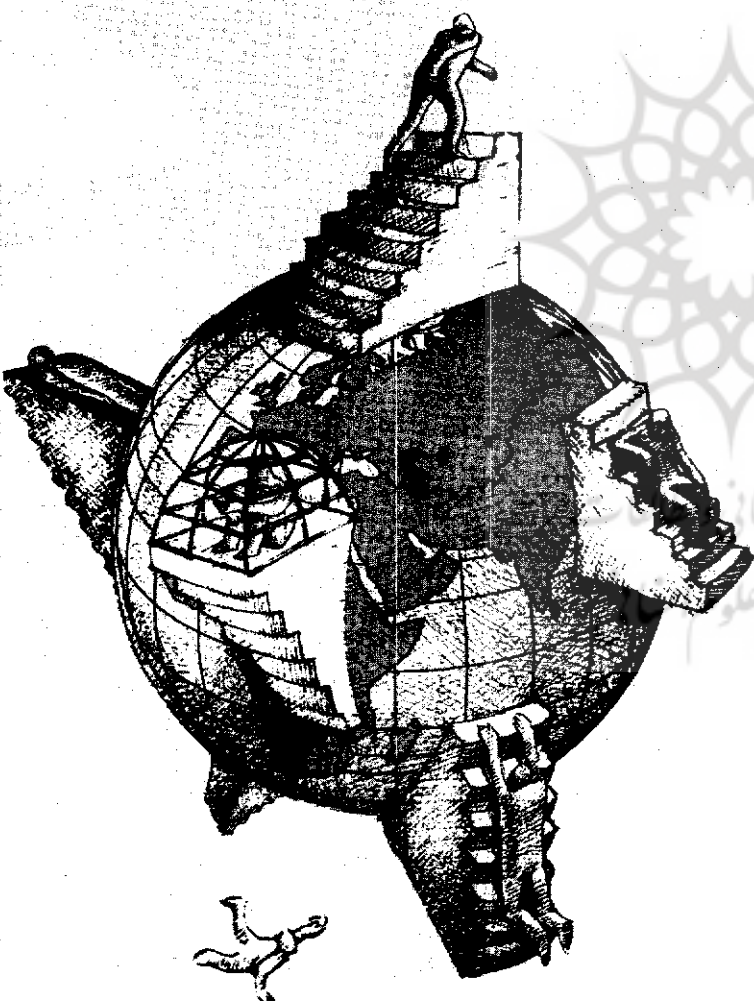
ب - هیچ فرهنگی نباید درصدد ایجاد تغییر در اصول اساسی فرهنگ‌های دیگر باشد.

ج - تفکر ایجاد یک فرهنگ یکسان در سطح جهان، نباید زیربنای نظریه‌های تبادل فرهنگی باشد.

د - قبل از انتقال هر نوآوری و پدیده بدیع که حتماً بار فرهنگی نیز دارد، به آموزش و آمادگی افراد، خانواده‌ها و جوامع توجه خاص شود.

ه - از تغییرات فرهنگی سریع، شدید و ناگهانی جداً اجتناب شود.

مهم‌ترین عارضه مسئله فرهنگ پذیری، شوک فرهنگی است که طیف وسیعی از اختلالات روانی - عاطفی را به همراه دارد.



و - به انسجام و وحدت خانواده به عنوان اساسی ترین نهاد کنترل شوک فرهنگی اهمیت داده شود و از هر اقدامی که این یکپارچگی را مخدوش می کند، خودداری شود.

ز - نوجوانان و جوانان در هر جامعه به عنوان اولین استقبال کنندگان تغییرات فرهنگی مورد توجه و حمایت ویژه قرار گیرند تا از آسیب های بیش تر محافظت شوند.

منابع:

- آزاد، دکتر حسین: آسیب شناسی روانی، انتشارات بعثت، جلد اول، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴.

- اتکینسون، ریتا. ال؛ اتکینسون، ریچارد. س؛ هیلگارد، ارنست. زد: زمینه روان شناسی، ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران، انتشارات رشد، جلد دوم، چاپ اول، تهران ۱۳۶۸.

- احدی، دکتر حسن و محسنی، دکتر نیکچهره: روان شناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روان شناسی نوجوانی و جوانی، چاپ و نشر بنیاد، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۱.

- انجمن روان پزشکی آمریکا: طبقه بندی اختلالات روانی (D.S.M.IV)، ترجمه دکتر نصرت الله پورافکاری، انتشارات آزاده، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳.

- بخشایی، نور محمد و کیانپور، دکتر محسن: علائم، نشانه های بالینی و روش درمان سنتی، دومین کنگره روان پزشکی فرهنگ - اجتماعی، تهران ۱۳۷۶.

- داویدیان، دکتر هاراطون: فرهنگ و روان پزشکی، دومین کنگره روان پزشکی فرهنگی - اجتماعی، تهران ۱۳۷۶.

- درخشنده نیا، سیده مزگان و آتش پور، دکتر سید حمید: دلیل گرایش نوجوانان به گروه های رپ و هوی متال، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان ۱۳۷۸.

- ستوده، هدایت الله: آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۶.

- شاه محمدی، دکتر داوود و اصغرزاده، امین، صفیه: بررسی مقدماتی هدیان های فرهنگی بیماران بستری در مراکز روان پزشکی... دومین کنگره روان پزشکی فرهنگی - اجتماعی، تهران ۱۳۷۶.

- شولتس، دوان: روان شناسی کمال - الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۲.

- شیرازی، دکتر محمد: اخلاقیات و فرهنگ، دومین کنگره روان پزشکی فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۷۶.

- فدایی، دکتر فرید و نیساری، آرزو: نوستالژیا در دانشجویان

خارجی ساکن ایران، دومین کنگره روان پزشکی فرهنگی - اجتماعی، تهران ۱۳۷۶.

- کاپلان، هارولد؛ سادوک، بینامین و گرب، جک: خلاصه روان پزشکی، ترجمه دکتر نصرت الله پورافکاری، انتشارات شهر آب، جلد اول و سوم، چاپ اول، ۱۳۷۵.

- کلاین برگ، اتو: روان شناسی اجتماعی، ترجمه دکتر علی محمد کاردان، نشر اندیشه، جلد دوم، چاپ دهم، ۱۳۷۰.

- هرگنهان، بی. آر: مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه دکتر علی اکبر سیف، انتشارات فرهنگی معاصر، جلد اول، چاپ اول، تهران ۱۳۷۱.

- GOLDENSON , ROBERT M. LONGMAN DICTIONARY OF PSYCHOLOGY AND PSYCHIATRY . NEWYORK & LONDON, 1984 .

- RUBIN, ZICH, PEPLAU , HETITIA ANNE. SALOVEY , HOUGHTOM MIFFLIN PUB , 1993.

پی نوشت ها:

- 1- CULTURE SHOCK
- 2- ANXIETY
- 3- DEPRESSION
- 4- DEPERSONALIZATION
- 5- DEREALIZATION
- 6- KAPLAN
- 7- SADOCK
- 8- GEREB
- 9- GOLDENSON
- 10- ACCULTURATION
- 11- PARANOID
- 12- LEARNED HELPLESSNESS
- 13- SELIGMAN M .
- 14- HERGENHAN B.R.
- 15- ANONYMITY
- 16- ATKINSON AND HILGARD
- 17- ALIENATION
- 18- NOSTALGIA
- 19- POWERLESSNESS
- 20- SENSELESSNESS
- 21- NORMLESSNESS
- 22- ANTISOCIAL PERSONALITY
- 23- SOCIAL ESTRAGEMENT
- 24- AVOIDANT PERSONALITY DISORDER
- 25- SCHIZOID PERSONALITY DISORDER
- 26- E. FROMM
- 27- YENNATI
- 28- ALL
- 29- DISSOCIATIVE
- 30- SELF ESTRAGMENT
- 31- TOMAS AND ZENIENCKI
- 32- KLINEBERG
- 33- HUNT
- 34 - RUBIN

نوجوانان و جوانان در فرهنگ جامعه به عنوان اولین استقبال کنندگان تغییرات فرهنگی مورد توجه و حمایت ویژه قرار گیرند تا از آسیب های بیش تر محافظت شوند.